

اصحاب و شاگردان قرآن پژوه امام رضا (ع)

سید محمد موسوی مقدم*
رقيه امیرجانی**

چکیده

هشتمین ستارهٔ تابناک جهان تشیع، در شرایطی روزگار گذراند که جامعه درگیر دشواری‌های ریز و درشت سیاسی و اجتماعی بود. خلفای جور خصوصاً مأمون، با ایجاد محدودیت‌های گسترده‌ای برای آن حضرت دائماً در تلاش بودند تا هرچه بیشتر از موقعیت‌موجه ایشان جهت پیشبرد مقاصدشان بهره‌برند. امام رضا (ع) ضمن مقابله با ایشان، همواره در صدد بودند تا در هر فرصتی مکتب علمی پدران بزرگوارش را زنده بدارد. و در این راستا شاگردان فراوانی را پروراند. در این پژوهش ما به معرفی تنی چند از اصحاب و شاگردان مفسر و قرآن‌پژوه آن پیشوای رئوف و آثار تفسیری و قرآنی‌شان می‌پردازیم. کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، اصحاب مفسر، شاگردان قرآن‌پژوه.

* استادیار - پردیس فارابی - دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث - دانشگاه قم.

مقدمه

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در روز یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ هجری قمری دیده به جهان گشود^۱. مادر او بانویی با فضیلت به نام «تکتم» بود که پس از تولد حضرت، از طرف امام کاظم (ع) «طاهره» نام گرفت^۲. کنیه او «أبو الحسن» و لقبش «رضا» است. او پس از شهادت پدر بزرگوارش در زندان بغداد [در سال ۱۸۳ هجری] در سن ۳۵ سالگی عهده دار مقام امامت و رهبری امت گردید. مدت امامت آن حضرت «بیست سال» بود که ده سال آن معاصر با خلافت «هارون الرشید»، پنج سال معاصر با خلافت «محمد امین»، و پنج سال آخر نیز معاصر با خلافت «عبدالله مأمون» بود. امام تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود، شهر مقدس مدینه اقامت داشت؛ ولی مأمون پس از رسیدن به حکومت، حضرت را به خراسان دعوت کرد و سرانجام حضرت در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری [در سن ۵۵ سالگی] به شهادت رسید و در همان سرزمین به خاک سپرده شد^۳.

از سال ۱۸۳ هجری که پیشوای هفتم، حضرت موسی بن جعفر (ع)، در زندان بغداد به دستور هارون مسموم شد و از دنیا رفت، امامت پیشوای هشتم به مدت ده سال در دوران حکومت وی سپری گردید. این مدت در آن عصر اختناق و استبداد و خودکامگی هارون، دوران آزادی نسبی و فعالیت فرهنگی و علمی امام رضا (ع) به شمار می رود، زیرا هارون در این مدت متعرض امام نمی شد و حضرت آزادانه فعالیت می نمود؛ از این رو، شاگردانی که امام تربیت کرد و علوم و معارف اسلامی و حقایقی از تعلیمات قرآن که حضرت در حوزه اسلام منتشر نمود، عمدتاً در این مدت صورت گرفت^۴.

اینک پس از بیان مطالبی کوتاه درباره شخصیت والای امام علی بن موسی الرضا (ع) و با توجه به عنوان این پژوهش، به معرفی اصحاب و شاگردان مفسر و قرآن پژوه امام رضا (ع) می پردازیم:

۱. اسماعیل سکونی - زنده تا سال ۲۰۳ ق -

أبو یعقوب اسماعیل بن مهران بن زید کوفی، ثقه و معتمد، و از راویان اخبار و احادیث امام جعفر صادق (ع)، و از مفسران عالی قدر قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری به شمار می آید. نجاشی او را از اصحاب و یاران امام صادق (ع) شمرده است؛ هرچند قول

علوم قرآن و امام رضا (ع)

أبي عمير را نیز آورده که او را از اصحاب امام رضا (ع) نامیده است و می افزاید: او کتاب‌ها و تألیفاتی دارد که یکی از آنها «ثواب القرآن»، و دیگری کتاب «صفة المؤمن و الفاجر»؛ کتاب «خطب علی (ع)» و کتاب «النوادر و الملاحم» می باشد و خود نجاشی با سه واسطه توسط أحمد بن عبدالواحد از علی بن محمد قرشی از علی بن حسن فضال از خود اسماعیل سکونی کتاب هایش را روایت می کند^۵. تفسیر سکونی در زمره تفاسیر نقلی قرار می گیرد.^۶

صاحب «معجم المؤلفین» شرح حال او را آورده، اما تاریخ وفات او را مشخص نکرده است؛ فقط می نویسد: او تا ۲۰۳ هجری زنده بوده و از اصحاب امام رضا (ع) شمرده شده است و می گوید: کتاب‌های «ثواب القرآن»، «الملاحم»، «صفة المؤمن و الفاجر»، «النوادر» و «خطب امیرالمؤمنین (ع)» از اوست.^۷

صاحب «معجم رجال الحدیث» گفتار نجاشی، شیخ طوسی، کشی و ابن غضائری - هر چهار تن از رجالیون معروف می باشند - را آورده است؛ تنها تفاوت اندکی که بین این گفتارها وجود دارد این است که شیخ طوسی او را از ملاقات کنندگان امام رضا (ع) نام برده و کشی او را رمی به غلو داده و ابن غضائری او را مضطرب در حدیث و راوی از ضعفاء توصیف کرده، ولی خود مؤلف بزرگوار او را به وثاقت توصیف نموده است، چون شهادت و گواهی جعفر بن محمد بن قولویه، علی بن ابراهیم بن هاشم، شیخ طوسی، نجاشی و عیاشی بر این امر استوار است و گفتار ابن غضائری دلیل بر عدم وثاقت او نیست.^۸

۲. واقدی - م ۲۰۷ ق -

قاضی أبو عبد الله محمد بن عمر واقدی، بردهٔ آسلمیان از سهم بن اسلم، و شیعهٔ نیکوکاری بود که همیشه جانب تقیه را رعایت می نمود. وی صاحب کتاب «الترغیب» در علوم قرآن است و از اصحاب امام رضا (ع) به شمار می رود.^۹ ابن ندیم در «الفهرست» می نویسد: واقدی از مردم مدینه، و از عالمان و آگاهان به غزوات، سیر و فتوحات و اختلافات مردم، و عالم در حدیث و فقه و احکام و اخبار بود.^{۱۰}

محمد بن اسحاق نیز گوید: در پاره ای از نوشته های قدیمی خواندم که واقدی پس از مرگش، ششصد جلد کتاب از خود به جا گذاشته بود، که هر کدام از آنها را دو نفر برمی

داشت و دو برده زخرید داشت که شبانه روز می نوشتند و پیش از آن هم معادل دو هزار دینار از کتاب ها را برایش فروخته بودند^{۱۱}. کاتبش محمد بن سعد از قول ابوعبدالله واقدی نقل کرده است که او در سال ۱۳۰ ق به دنیا آمد و در دوشنبه شب یازدهم ذیحجه سال ۲۰۷ ق در سن ۷۸ سالگی از دنیا رخت بر بست، و محمد بن سماعه بر وی نماز گزارد و در گورستان خیزران - مدفن خیزران همسر مهدی خلیفه عباسی - به خاک سپرده شد.

عمر رضا کحاله نام او را در عداد مؤلفین الاسلامی آورده است و می گوید: «محمد واقدی - ۱۳۰ - ۲۰۷ ق / ۷۴۷ - ۸۲۳ م - محدث، حافظ، مورخ، آدیب، فقیه و مفسر بود که در مدینه متولد گردید؛ به تجارت گندم پرداخت و ثروتمند شد.^{۱۲} از مالک بن انس و سفیان ثوری استماع حدیث، و از پدرش روایت نمود، به عراق منتقل شد و در ایام جوانی به بغداد وارد، و با یحیی بن خالد برمکی آشنا شد. یحیی به او عطایایی بخشید و به حکومت قسمت شرقی بغداد منصوبش نمود. مأمون او را تکریم، و حال او را رعایت می نمود. او در ماه ذیحجه در بغداد فوت کرد و در گورستان خیزران مدفون شد^{۱۳}. از تصانیف فراوان او «تاریخ الفقهاء و السنة و الجماعة»؛ «ذم الهوی و ترک الخوارج فی الفتن...» و «تفسیر قرآن» می باشد^{۱۴}. تفسیر واقدی، تفسیری است «نقلی» و «استنباطی»^{۱۵}. صاحب «الذریعة»، «کتاب الآداب» را از دیگر تألیفات او برمی شمرد.^{۱۶}

۳. یونس بن عبدالرحمن - م ۲۰۸ ق -

ابومحمد یونس بن عبدالرحمن اسدی کوفی، خدمتگزار - مولای - علی بن یقطین، فردی موثق و جلیل القدر از اصحاب و یاران خاص امام کاظم (ع) و امام رضا (ع)، و از مفسران اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم هجری شمرده می شود. نجاشی می گوید: او آبروی امامیه و پیشوا و جلیل القدر است. امام جعفر بن محمد (ع) را در صفا و مروه دیده، ولی از او روایت نکرده است؛ اما از امام موسی بن جعفر (ع) و امام علی بن موسی الرضا (ع) روایت کرده است. امام رضا (ع) در علم و فتوا به او اشارت و حوالت می داده است. او از کسانی است که به هنگام توقف بر امام کاظم (ع) - جریان واقفیه - مال فراوانی

علوم قرآن و امام رضا (ع)

به او بذل و بخشش می شد، ولی امتناع می ورزید و در راه حق ثبات و پایداری به خرج می داد و در مورد او مدح و ذم هر دو وارد شده است: کشی روایاتی را در مدح او نقل می کند، به ویژه آن حدیثی را که از امام رضا (ع) می پرسد: من نمی توانم آن همه وقت به حضورتان برسم، پس از چه کسی احکام دینی ام را بپرسم؟ فرمود: «از یونس بن عبدالرحمن سؤال نما»^{۱۷}. و این منزلت بسیار بزرگی است؛ یا این که می گوید: کتاب «یوم و لیلۃ» را به امام هادی (ع) نشان دادم، فرمود: «تألیف کیست؟» گفتم: تألیف یونس مولی آل یقطین است. فرمود: «خداوند در برابر هر حرف و کلمه آن نوری در روز قیامت به او عطا فرماید»^{۱۸}. او تألیفات فراوانی دارد که نجاشی ۳۶ جلد آن را نام می برد و در بین آنها دو جلد راجع به تفسیر قرآن مجید و علوم آن می باشد: ۱. «تفسیر القرآن»، «کتاب فضل القرآن»^{۱۹}. تفسیر یونس بن عبدالرحمن تفسیری نقلی است^{۲۰}. شرح حال او در «الفهرست» شیخ طوسی و «الفهرست» ابن ندیم و «رجال نجاشی» و «منتهی المقال» و «تنقیح المقال» و «هدیه العارفين» آمده است.^{۲۱}

زرکلی صاحب «الاعلام» می نویسد: یونس بن عبدالرحمن - م ۲۰۸ ق / ۸۲۳ م - أبو محمد مولی علی بن یقطین، فقیه امامی عراقی از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) می باشد. امام علی بن موسی الرضا (ع) او را به - سلمان فارسی - تشبیه می نمود. او حدود ۳۰ جلد تألیف و تصنیف دارد، که از جمله آنهاست: «الدلالة على الخير»؛ «الشرايع»؛ «جوامع الآثار»؛ «علل الحديث»؛ «الجامع الكبير في الفقه»؛ «تفسير القرآن»؛ «الأبواب»؛ «المثالب»؛ «و الرد على الغلاة»^{۲۲}.

۴. حسن بن محبوب - متوفی حدود ۲۲۴ ق -

أبو علی حسن بن محبوب سراء - زراد - بجلی کوفی، ثقه و مورد اعتماد، و از مفسران نامدار قرن سوم هجری و از اصحاب و یاران امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) محسوب می شود. شیخ طوسی در «رجال» خود با تجلیل و احترام فوق العاده از او یاد می کند^{۲۳}. و در «فهرست» یک بار ضمن اصحاب امام کاظم (ع) و بار دیگر ضمن یاران امام صادق (ع) از او نام می برد، او را یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش می شمارد و تألیفات متعددی را در زندگی علمی او نام می برد^{۲۴}، که از جمله آنهاست: «المشيخة»؛ «الحدود»؛

«الديات»؛ «الفرائض»؛ «النكاح»؛ «الطلاق»؛ «النوادر» در ۱۰۰۰ ورق. ۲۵

این ندیم در «الفهرست» کتاب العتق و التفسیر را نیز می افزاید و می گوید که احمد بن محمد بن عیسی تمام کتاب ها و روایات او را نقل کرده است^{۲۶}. تفسیر ابن محبوب تفسیری نقلی، استنباطی و احتجاجی است^{۲۷}. صاحب «معجم رجال الحدیث» می گوید: برقی در «رجال» خود او را از اصحاب امام کاظم^(ع) نام می برد، یک بار با سراء و بار دیگر با زراد توصیف می نماید^{۲۸}. کشی او را از اصحاب اجماع - اصحاب ما به تصحیح هر آنچه که آنان تصحیح نموده باشند، اتفاق و اجماع نموده اند - و از اصحاب امام کاظم^(ع) و امام رضا^(ع) می شمارد و در عین حال وفات او را به سال ۲۲۴ ق می داند^{۲۹}. در صورتی که خود کشی نقل می کند که او از أبوحمزه ثمالی - م ۱۵۰ ق - روایت می کند و باز این تاریخ وفات منافات دارد با آن که او از محمد بن اسحاق مدنی - م ۱۵۱ ق - روایت می کند و باز منافات دارد با آن موردی که ابن محبوب از امام هادی^(ع) روایت می نماید؛ آنچنان که در «تهذیب»، جزء ۱۰، باب البینات علی القطع، حدیث ۶۷۴ آمده است. ۳۰

پاسخ اجمالی آن است که: با توجه به عمر طولانی او که ۷۵ سال داشته است، می توان گفت که او در جوانی امام کاظم^(ع) را دیده باشد و یا با واسطه از ایشان روایت نماید. مرحوم نجاشی نیز به زندگینامه او نپرداخته است. ظاهر امر این است که جز غفلت یا سقط از قلم کاتب، علت دیگری نداشته و احتمال این که نجاشی به کتاب حسن بن محبوب دسترسی نداشته، بسیار بعید است؛ چون در شرح حال جعفر بن بشر آورده که او را کتاب مشیخه ای همانند مشیخه حسن بن محبوب است.

زرکلی صاحب «الاعلام» می نویسد: ابن محبوب - ۱۴۹-۲۲۴ ق / ۷۶۶-۸۹۳ م - أبوعلی حسن بن محبوب سراد یا زراد، فقیه شیعی از اهل کوفه می باشد؛ او را کتاب ها و تألیفاتی است که یکی از آنها «النوادر» حدود ۱۰۰۰ برگ، «التفسیر»؛ «الفرائض»؛ «المشیخه»؛ «والحدود» می باشد. ۳۱

۵. علی بن مهزیار - متوفی بعد از ۲۲۹ ق -

أبو الحسن علی بن مهزیار دورقی اهوازی، از اصحاب امامان جواد^(ع) و هادی^(ع) و از مفسران قرن سوم هجری است و بیش از سی کتاب و رساله در زمینه های مختلف

معارف اسلامی دارد. تفسیری منسوب به اوست. شیخ طوسی در «الفهرست» و نجاشی در «رجال» خود به کتابی از وی با عنوان «حروف القرآن» اشاره کرده اند؛ البته این علی بن مهزیار غیر از آن علی بن مهزیاری است که به محضر امام عصر^(ع) تشرف پیدا کرده؛ او برادرزاده این مفسر است. ۳۲

صاحب «أعیان الشیعة» می نویسد: او را ۳۳ جلد کتاب است و مانند حسین بن سعید تألیفات متعددی دارد؛ از جمله: تفسیر قرآن و حروف قرآن. او در قرن سوم هجری می زیسته است ۳۳. از دیگر تألیفات او کتاب «الأشربة» می باشد که صاحب «الذریعة» در جلد دوم کتابش بدان اشاره کرده است ۳۴. نجاشی در «رجال» خود شرح زندگانی علمی او را آورده است و می گوید: أبوالحسن دورقی اهوازی، پدرش مهزیار مسیحی بود، بعداً اسلام آورد و گفته شده است که خود علی نیز در صغر سن به اسلام مشرف شد؛ خداوند توفیق شناخت اسلام را به او عنایت فرمود و در امر دین به مقام فقاهت رسید و از امامان رضا^(ع) و جواد^(ع) روایت نمود و از خواص یاران امام جواد^(ع) و دارای موقعیت و حرمت خاصی پیش آن امام بود. به محضر امام هادی^(ع) نیز رسید و در برخی امور به او اعتماد شد. او مانند حسین بن سعید تألیفاتی دارد که افزون بر آنها «کتاب الحروف»؛ «کتاب القائم»؛ «کتاب البشارات»؛ «کتاب الانبیاء» و «کتاب النوادر» - همان رسائل علی بن أسباط -، او با پنج واسطه اینها را روایت می کند ۳۵. تفسیر ابن مهزیار تفسیری نقلی است. ۳۶

۶. برقی کبیر - متوفی حدود ۲۳۰ ق -

أبو عبد الله محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علی کوفی برقی - منسوب به برقه رود از توابع قم - از اجله اصحاب و یاران امام رضا^(ع) می باشد؛ او علاوه بر تفسیر، تألیفات دیگری نیز دارد که از جمله آنهاست: «التنزیل و التعبیر». نجاشی با چهار واسطه از او روایت نقل می نماید و در «رجال» خویش می گوید: محمد بن خالد بن عبد الرحمن بن محمد بن علی البرقی مولی أبو موسی أشعری برقی - منسوب به برقه رود از توابع قم -، برادرانی نیز دارد که به أبوعلی حسن بن خالد و أبو قاسم فضل بن خالد معروف می باشند و همین فضل نوه ای دارد به نام علی بن العلاء بن الفضل بن خالد، که یکی از

فقها محسوب می شود. خود ابو عبدالله محمد بن خالد در حدیث ضعیف شناخته شده است، ولی ادیب بود و اطلاعات کافی در زمینه اخبار و علوم عربی داشت. او کتاب هایی دارد که از جمله آنهاست: «التنزیل و التعبير»؛ «کتاب یوم و لیل»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب مکه و مدینه»؛ «کتاب حروف اوس و خزرج»؛ «کتاب العلل»؛ «کتاب فی علم الباری»؛ و «کتاب الخطب». این کتاب ها را أحمد بن علی بن نوح از حسن بن حمزه طبری از أحمد بن عبدالله بن ابي عبدالله محمد بن خالد برقی از أحمد بن ابي عبدالله از پدرش خرداد روایت می کند^{۳۷}. تفسیر برقی کبیر تفسیری نقلی، استنباطی و ادبی است.^{۳۸}

صاحب «جامع الرواة» او را در باب میم بعده الحاء آورده است و می گوید: «او از اصحاب امام رضا (ع) است و این غضائری گفته که از موالی حریر بن عبدالله است، حدیثش معروف و مورد انکار قرار می گیرد، اغلب از ضعیفان نقل حدیث می کند و به مراسیل اعتماد و تکیه دارد و نجاشی هم او را تضعیف نموده، ولی اعتماد من به گفتار شیخ طوسی است که او را تعدیل نموده است.

کشی گفته است که نصر بن صباح، برقی را ملاقات نموده است. او کتاب «النوادر» دارد، أحمد بن محمد بن عیسی و پسرش أحمد بن أحمد بن ابي عبدالله از او روایت کرده اند و ثقه است^{۳۹}.

صاحب «معجم رجال الحدیث» می فرماید: او گاهی از اصحاب امام رضا (ع) و گاهی از اصحاب امام جواد (ع) شمرده شده است؛ چون عصر هر دو را درک کرده و برقی او را از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) نیز شمرده است^{۴۰}. بدین ترتیب، ایام حیات و زندگی او حدود ۲۳۰ تا ۲۴۰ ق می باشد.

۷. أحمد بن محمد أشعری - متوفی حدود ۲۳۰ ق -

أبو جعفر أحمد بن محمد بن عیسی أشعری قمی به شرف دیدار امام رضا (ع) و امام جواد (ع) رسیده و از آن دو بزرگوار روایت کرده است. نجاشی شرح حال او را ذکر کرده است و با سه واسطه از او روایت می نماید و در شرح حال او در بخش «النوادر» می فرماید: أحمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد أشعری، شیخ أشاعره قم، شیخ طوسی او را

علوم قرآن و امام رضا (ع)

از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بر شمرده است؛ در «الفهرست» آورده که او رئیس اهل قم بوده است که به ملاقات سلطان رسید، و او از فرزندان اشعری است که قم را برای عمر فتح نمود^{۴۱}. نجاشی می گوید: أبوجعفر أحمد بن محمد بن عیسی بن عبداللّه بن سعد اشعری، جد او سعد بن مالک بن أحوص از نخستین کسانی است که در قم سکونت ورزید و سائب بن مالک به حضور پیامبر خدا (ص) شتافت، او سپس به کوفه مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید؛ روایت شده است که در جنگ حنین پیامبر خدا (ص) برای أبوعامر اشعری دعا کرد و عرض کرد: «خدایا او را در روز قیامت از بزرگان یا در جایگاه بزرگان قرار بده». أبوجعفر، بزرگ قمی ها و اعتبار و آبروی آنان محسوب می گشت؛ او به محضر امام هادی (ع) و امام حسن عسگری (ع) نیز رسیده و کتاب هایی دارد که از جمله آنهاست: «التوحید»؛ «کتاب فضل النبی (ص)»؛ «کتاب المتعه»؛ «کتاب النوادر» - که غیر مبوب بود و داود بن کوره آن را مبوب ساخت - «کتاب الأطلّة»؛ «کتاب المنسوخ»؛ «و فضائل العرب» و ابن نوح گوید: پیش دبیلی «کتاب حج» و «کتاب الناسخ و المنسوخ» أبوجعفر را دیدم.^{۴۲}

صاحب «معجم رجال الحديث» او را تحت عنوان أحمد بن محمد بن عیسی اشعری القمی آورده است و می گوید: «او ثقة است و شیخ طوسی او را در «رجال» خود آورده، یک بار در ردیف اصحاب امام رضا (ع) و بار دیگر در جمع اصحاب امام جواد (ع) شمرده و شیخ در شرح حال محمد بن ابی عمیر آورده است: أحمد بن محمد از محمد بن ابی عمیر کتاب ۱۰۰ تن از اصحاب امام صادق (ع) را روایت کرده است؛ او در «کامل الزیارة» تفسیر «و العاقبة للمتقين» را از او روایت کرده و در اسناد بیش از ۲۲۹۰ حدیث قرار گرفته است»^{۴۳}. با توجه به قرائن رجالی و حدیثی حدس زده می شود که وفات او در سالهای ۲۲۰ تا ۲۳۰ ق بوده باشد، چون او از امام هادی (ع) هم روایت کرده است.

۸. حسن بن سعید اهوازی - م ۲۴۰ ق -

أبو محمد حسن بن سعید بن حماد بن مهران، مولی علی بن الحسین (ع) و - حسن بن دندان -، برادر حسین بن سعید اهوازی و همکار او در تألیف و تصنیف بیش از ۳۰ جلد کتاب و یکی از مفسران قرن سوم هجری به شمار می آید؛ او با مشارکت برادرش حسین

۵۰ جلد کتاب و رساله پدید آورد... او نیز مانند برادرش حسین، اهل قلم و تألیف بوده، ولی به علت اشتها نام برادر بزرگتر، تحت الشعاع شهرت او قرار گرفته است. او از اصحاب و یاران امامین هم‌امین رضا (ع) و جواد (ع)، و از روایان «کامل الزیارات» بوده، و در سلسله سند بیش از ۹۷۵ روایت قرار گرفته است.

کشی در «رجال» خود شرح حال او را آورده است و می‌گوید: «او و برادرش حسین، فرزندان سعید بن حماد می‌باشند و او کسی است که اسحاق بن ابراهیم حقیقی و علی بن ریان را به محضر امام رضا (ع) مشرف ساخت و عامل معرفت و شناخت آنان در ارتباط با مسأله امامت گردید و از امام (ع) حدیث شنیدند. او با عبدالله بن محمد حقیقی نیز این رفتار را نمود و همین امر باعث شد که آنان خدمات فرهنگی خوبی انجام دهند و کتاب‌هایی را تألیف نمایند؛ گفته شده است: حسن بن سعید بیش از ۵۰ جلد کتاب تألیف نموده است و پدرش سعید به «دندان» شناخته می‌شد. ۴۴

او تألیفات متعددی دارد که تماماً خوب و مورد عمل بوده است. ۴۵
نجاشی کتاب‌ها را از طریق ابوالعباس أحمد بن علی بن نوح سیرافی با چهار واسطه روایت نموده است. ۴۶

۹. فضل بن شاذان - م ۲۶۰ -

أبو محمد فضل بن شاذان بن الخلیل أزدی نیشابوری، یکی از فقها و متکلمان اصحاب ما و دارای شأن و عظمت و اعتبار در جمع اصحاب و یاران امام رضا (ع) و از دانشمندان و مفسران قرن سوم هجری است. او دارای تألیفات متعددی است که به ۱۸۰ کتاب و رساله می‌رسد. او مورد استرحام امام معصوم (ع) قرار گرفته است. نجاشی از گنجی نقل نموده که او یکصد و هشتاد جلد کتاب تألیف نموده است. ۴۷. نجاشی تعداد ۴۹ جلد از آنها را نام می‌برد. شیخ طوسی نیز در «رجال» خود او را از اصحاب و وکلای امام رضا (ع) نام برده است. ۴۸

مرحوم مدرس صاحب «ریحانة الأدب» تعدادی از کتاب‌های او را نقل می‌کند و در پایان می‌افزاید: یکصد و هشتاد جلد کتاب و رساله به او نسبت داده‌اند و امام حسن عسگری (ع) سه بار در حق او طلب مغفرت و رحمت نموده است. ۴۹

تفسیر ابن شاذان تفسیری نقلی است . ۵۰

کشی گفته است فضل بن شاذان از جمعی روایت می کند که از آن میان محمد بن ابی عمیر ، صفوان بن یحیی ، حسن بن محبوب و حسن بن علی بن فضال می باشند . او در سال ۲۶۰ ق بدرود حیات گفته است^{۵۱} . زرکلی صاحب «الاعلام» می نویسد : «ابن شاذان - ۲۶۰ ق / ۸۷۴ م - ابومحمد فضل بن شاذان بن الخلیل ازدی نیشابوری ، متکلم از فرقه امامیه ، که حدود ۱۸۰ جلد کتاب دارد که از جمله آنهاست : «الرد علی ابن کرام» ؛ «الایمان» ؛ «محنة الاسلام» ؛ «الرد علی الدامغة الثنویة» ؛ «الرد علی الغلاة» ؛ «التوحید» ؛ «الرد علی الباطنية و القرامطة» . ۵۲

۱۰ . حسین بن سعید اهوازی - م ۳۰۰ ق -

حسین بن سعید بن حماد بن مهران از موالی علی بن الحسین (ع) و از پرکارترین نویسندگان و مؤلفان اسلامی در قرن سوم هجری است . برادرش حسن بن سعید نیز در تألیف کتاب ها با او مشارکت داشته است . رساله ها و کتاب های او بیش از ۵۰ جلد می باشد که یکی از آنها «تفسیر قرآن کریم» است که افراد موثق آنها را نقل نموده اند . کتاب تفسیرش شهرت فراوان داشته است ، اما در اصل باید آن را به دلیل مشارکت دو برادر در تألیف ، «تفسیر ابی سعید» نامید . نجاشی می افزاید : «در مورد این کتاب ها افراد متعددی با راه های گوناگون خبر داده اند که یکی از آنها نوشته احمد بن علی بن نوح سیرافی در پاسخ نامه من است ، ایشان می نویسد : ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی ، احمد بن محمد بن خالد برقی ، حسین بن حسن بن أبان ، احمد بن محمد بن الحسن بن السکن قشری بردعی و احمد بن محمد بن دینوری خبر دادند ، این فرد اخیر می گوید : حسین بن سعید اهوازی تمام کتاب های خود را به هنگام مراجعت از زیارت امام رضا (ع) در ایام حکومت جعفر بن حسن ناصر در آمل طبرستان به سال ۳۰۰ هجری به من خبر داد . ۵۳

صاحب «معجم رجال الحدیث» می فرماید : حسین بن سعید بن حماد - حسین بن دندان - از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) می باشد . برقی او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) شمرده است . او از عثمان بن عیسی و احمد بن محمد بن عیسی ، و حسین بن حسن بن أبان از او «کامل الزیارات» را نقل و روایت

کرده اند. او در اسناد تعداد کثیری از روایات قرار گرفته که بالغ بر ۵۰۲۶ مورد است. ۵۴

۱۱. ابن فضال کبیر - م ۲۲۴ ق -

أبو محمد حسن بن علی بن فضال کوفی تمیمی، از مفسران قرن سوم هجری است؛ گرچه مذهب و مسلک او شیعه فطحی بود، ولی بعدها از آن اعتقاد برگشت و توبه نمود و به امامیه پیوست. وقتی ابن فضال گفته می شود شامل حسن بن علی بن فضال و فرزندانش علی، أحمد و محمد می گردد، ولی مشهور همان حسن و فرزندش علی است. ابن ندیم تفسیر او را در «الفهرست» ذکر کرده است ۵۵. او را کتاب هایی به نام «الشواهد من کتاب الله» و «الناسخ و المنسوخ» است. وی در علوم قرآنی نیز تألیفات متعددی دارد. ۵۶

در «رجال» نجاشی آمده است: «او عابدترین مردم روزگار خود بود، به صحرا می رفت و سجده های طولانی داشت. او را تألیفاتی است. ۵۷

صاحب «معجم رجال الحدیث» می فرماید: «أبو الحسن حسن بن علی بن فضال، با این عنوان در اسناد تعدادی از احادیث واقع شده است که بالغ بر ۲۹۷ مورد می گردد. او از امام علی بن موسی الرضا (ع) و امام هادی (ع) روایت نموده و از طریق ابی جمیل، ابی المغراء بن بکیر ثعلبه، عبدالله بن بکیر، علی بن عقبه و محمد بن سنان روایت کرده است و از طرفی أحمد، علی، محمد، فرزندانش و موسی بن عمران از او روایت نموده اند. او تألیفات متعددی دارد. ۵۸

۱۲. عبدالله بن صلت قمی - متوفی حدود ۲۰۰ ق -

أبو طالب عبدالله بن صلت قمی، راوی امام رضا (ع) و وکیل امام جواد (ع) و یکی از مفسران قرن دوم هجری است. فرزندش علی بن عبدالله بن صلت از او روایت کرده و نجاشی اسناد او را نقل کرده و در کتاب «الذریعة» از تفسیر او یاد شده است ۵۹. تفسیر ابن صلت قمی تفسیری نقلی و استنباطی است. ۶۰

نجاشی شرح زندگانی علمی او را آورده است و می گوید: عبدالله بن صلت أبو طالب قمی، ثقه و مورد اعتماد می باشد؛ او از امام رضا (ع) روایت می کند. کتاب تفسیری معروفی دارد که جمعی از اصحاب ما از آن خبر داده اند، از أحمد بن یحیی، او نیز از

عبدالله بن جعفر، او نیز از علی بن عبدالله بن صلت از پدرش صلت»^{۶۱}. پس به این ترتیب نجاشی با سه واسطه از او روایت می کند.

شیخ الطائفة یک بار او را از اصحاب امام رضا (ع) برمی شمرد و با «ثقه» بودن توصیفش می نماید و بار دیگر او را از اصحاب امام جواد (ع) نام می برد^{۶۲}. برخی نیز او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) می شمارند. شیخ صدوق در آغاز کتاب «کمال الدین» و خطبه آن در بیان جلالت و عظمت آل بیت صلت قمی گفته است: أحمد بن محمد بن عیسی با آن همه فضیلت و جلالت از ابی طالب عبدالله بن صلت قمی (رض) روایت می نمود. او عمر طولانی پیدا نمود تا این که محمد بن حسن صفار را درک نمود و از او روایت کرد. صفار از اصحاب و یاران امام حسن عسگری (ع) می باشد و این امر نشان دهنده عمر طولانی اوست. او در سند روایت بیش از ۲۲ روایت واقع شده است»^{۶۳}.

۱۳. محمد بن ابی عمیر - متوفی حدود ۲۱۷ ق -

أبو أحمد محمد بن ابی عمیر، از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) و یکی از مفسران قرن دوم هجری است. او احادیث فراوانی را - از جمله روایات تفسیری - از امام رضا (ع) و امام جواد (ع) روایت کرده است.

نجاشی می گوید: «محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی أبو أحمد ازدی، از موالی مهلب بن ابی صفرة بغدادی بوده که با امام موسی بن جعفر (ع) ملاقات نموده و احادیثی از او شنیده و در برخی از روایات او را مکتبی به أبو أحمد نموده است. از امام رضا (ع) نیز روایت کرده و جلیل القدر و عظیم المنزلة است. او تألیفات متعددی دارد که برخی تعداد آن را به ۹۴ مورد رسانده اند»^{۶۴}.

نجاشی آثار و تألیفات او را به چهار واسطه روایت می کند و می گوید نوادر و مقالات او فراوان است، چون راویان او متعدد بوده اند؛ پس مقالات او نیز با توجه تعددشان مختلف می گردد. وی می گوید این ابی عمیر در سال ۲۱۷ ق فوت نمود.^{۶۵}

صاحب «معجم رجال الحدیث» چند مورد را در ارتباط با این ابی عمیر تذکر داده اند که شایان توجه است: ۱. ابن داود به «رجال» شیخ نسبت داده که محمد بن ابی عمیر را از اصحاب امام صادق (ع) و امام رضا (ع) شمرده و این امر یقیناً سهو است؛ چون محمد بن

ابی عمیر نام دو شخص است، یکی از اصحاب امام صادق (ع) است که در ایام زندگی امام کاظم (ع) فوت نموده است؛ و دومی عصر امام صادق (ع) را درک نکرده، ولی تا ایام امام جواد (ع) حیات داشته است. ۲. از گفتار نجاشی معلوم گردید که محمد بن ابی عمیر، امام موسی بن جعفر (ع) را درک نکرده اما احادیثی از او شنیده، و این امر در تنافی با آن امر است که او از امام موسی بن جعفر (ع) روایت ننموده است؛ به هر حال، ما دست نیافتیم به این که او از امام کاظم (ع) مستقیماً روایتی نقل نموده باشد، ولی او روایات امام کاظم (ع) را به صورت نقل روایت کرده و شیخ صدوق نیز در «من لایحضره الفقیه»، جزء ۲، باب افتتاح سفر با صدقه، حدیث ۷۸۳ را از او روایت نموده است. ۶۶

۱۴. محمد بن یقظینی - زنده در سال ۲۲۴ ق -

أبوجعفر محمد بن عیسی بن عبید بن یقظینی، یکی از بزرگان شیعه و از موثقان و معتبرترین اصحاب امام هادی (ع) می باشد که به صورت کتبی و شفاهی از او روایت نموده است و در بغداد در سوق العطش سکونت داشت. نجاشی در رجال خود او را با ثقه و آبرو و اعتبار شیعه بودن توصیف می نماید و سپس گفتار ابن بابویه که از ابن ولید نقل می نماید که: - هرچه را که محمد بن عیسی تفرّد پیدا کرده است نمی توان به آن اعتماد نمود - را رد می کند و می نویسد: اصحاب و یاران ما این سخن را رد کرده و گفته اند کیست که مانند أبوجعفر محمد بن عیسی باشد؟ ۶۷

وی تألیفات متعددی دارد و در تألیف خوش سلیقه بوده است. ۶۸

نجاشی با سه واسطه از او روایت می کند. صاحب «معجم رجال الحدیث» ضمن آوردن سخن نجاشی از «رجال» شیخ طوسی، تألیفات او را می آورد؛ پس از ذکر کتاب «الوصایا»؛ کتاب «تفسیر القرآن» را نام می برد و می گوید: او کتاب «الوصایا»؛ «تفسیر القرآن»؛ «التجمل و المروة» و «العمل و الرجاء» دارد. ۶۹. تفسیر یقظینی تفسیری نقلی و استنباطی است. ۷۰

شیخ طوسی یک بار او را از اصحاب امام رضا (ع) و بار دیگر از اصحاب امام هادی (ع) شمرده است. به نظر می رسد کتاب «اللؤلؤة» که در گفتار نجاشی آمده بود، همان تفسیر او بوده باشد. او از ابن محبوب که در اواخر سال ۲۲۴ ق فوت کرده، روایت نموده است.

مرحوم شیخ صدوق با دو واسطه - پدرش و سعد بن عبدالله اشعری - از او روایت می‌کند. ۷۱

۱۵. ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی - م ۱۴۸ ق -

ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی، از اصحاب امامان باقر (ع) و صادق (ع) و از ثقات محدثان و مفسران ایرانی تبار شیعه و دارای کتابی درباره تفسیر قرآن است.^{۷۲} شیخ طوسی در «رجال» خود او را جزء اصحاب امام صادق (ع) و امام رضا (ع) می‌داند. تفسیر وی به عنوان «ثواب القرآن» به زبان عربی و به شیوه روایی است و طی تفسیرهای روایی شیعی و کتب معتبر حدیث امامیه بسیاری از روایات او نقل شده اند.^{۷۳} ابوبصیر کنیه ای است که برای تعدادی از افراد^{۷۴} به کار می‌رود؛ اما هرگاه به طور مطلق ذکر شود یکی از دو نفر یحیی بن قاسم و لیث بن بختری مرادی منظور است. کسانی از وی نقل روایت کرده اند که از جمله آنها: أبان بن عثمان أحمر، عاصم بن حمید حنط، مثنی بن ولید حنط، علی بن ابی حمزه، حسین بن ابی علاء، منصور بن حازم بجلی و دیگران هستند. او یکی از همان ۶ نفری است که شیعه بر تصدیق آنها اجماع دارد و به فقاہت آنان اقرار می‌شود.^{۷۵} نام او در سند بسیاری از روایات ائمه اطهار (ع) وارد شده است که تعداد آنها به ۲۲۷۵ مورد می‌رسد. طبق روایتی از شعبان عرقوفی که می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) عرض کردم که شاید نیازمند شدیم در مورد چیزی سؤال کنیم؛ پس از چه کسی پرسیم؟ امام (ع) فرمودند: «بر تو باد به اسدی».^{۷۶}

۱۶. علی بن أسباط کندی - متوفی حدود ۲۰۰ ق -

علی بن أسباط بن سالم کندی^{۷۷}، اهل کوفه و فروشنده لباس^{۷۸}، از اصحاب و یاران امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و از مفسران قرن دوم هجری است. نجاشی او را توثیق می‌نماید و به فطحنی بودن او اشاره دارد. در تبادل نامه بین او و علی بن مهزیار در این باره تصریح دارد که بالأخره او از این گرایش انحرافی برمی‌گردد و از امام رضا (ع) روایت نموده است. او از موثقتین افراد بوده است و تألیفات و تصنیفات دارد که از آن میان: «الدلائل» و «کتاب التفسیر» و «المزار» و «النوادر» می‌باشد.^{۷۹} تفسیر علی بن أسباط تفسیری نقلی

است^{۸۰}. نجاشی با چهار واسطه کتاب های او را روایت می کند. نام او در سند بسیاری از روایات اهل بیت (ع) که به ۳۸۷ مورد می رسد، وارد شده است.^{۸۱}

۱۷. دارم بن قبیصة - متوفی حدود ۲۰۰ ق -

أبو الحسن دارم بن قبیصة بن نهشل بن مجمع تمیمی دارمی، از اصحاب امام رضا (ع) و یکی از مفسران عالیقدر قرن دوم هجری به شمار می آید. او از امام رضا (ع) روایت کرده است و در زمینه قرآن و تفسیر آن تألیفاتی دارد که یکی از آنها «الوجوه و النظائر» و دیگری «الناسخ و المنسوخ» می باشد. نجاشی با سه واسطه از او روایت کرده است و این دلالت بر کوتاهی سند - عالی السند بودن - آن دارد و نیز نزدیکی دوران زندگی او را به عصر نجاشی می رساند^{۸۲}. نجاشی او را در «رجال» خود نام برده و راوی او را علی بن محمد بن جعفر بن عنبسة از امام رضا (ع) نام می برد.^{۸۳}

صاحب «معجم رجال الحديث» تضعیف او را از ابن غضائری نقل کرده است و می فرماید: ما وجه صحیحی بر این تضعیف نمی شناسیم.^{۸۴}

۱۸. أبو سمینة صیرفی - از مفسران قرن سوم هجری -

أبو سمینة محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی قرشی صیرفی، پسر خواهر خلاد بن عیسی مقررئ است. نجاشی درباره او می گوید: او فرد ضعیف و غیر قابل اعتمادی است. در کوفه مشهور به کذب و دروغ بود. هنگامی که وارد قم گردید بر أحمد بن محمد بن عیسی قمی وارد شد و مدتی در قم اقامت گزید، سپس ناگاه اشتهار به غلو پیدا نمود و ناپدید شد. أحمد بن محمد بن عیسی قمی او را از قم بیرون نمود. از تألیفات او: «تفسیر سورة عم»؛ «کتاب الآداب»؛ «الدلائل»؛ «الوصایا» و «العتق» می باشد که ابن شاذان از أحمد بن محمد بن عیسی از پدرش از محمد ابی القاسم ماجیلویه از او خبر داده و حدیث نقل کرده است^{۸۵}. نجاشی با سه واسطه به او می رسد.

صاحب «معجم رجال الحديث» می گوید: شیخ طوسی در رجال خود و برقی در کتاب «المحاسن»، او را از اصحاب امام رضا (ع) شمرده اند. کشتی نیز او را به عنوان أبو سمینة آورده است. صاحب «معجم» در پایان اظهار نظر می کند که در ضعف او نمی توان

علوم قرآن و امام رضا (ع)

شک و تردید داشت، ولی در اسناد «کامل الزیارات» قرار گرفته و مؤلف آن - جعفر بن محمد بن قولویه - ملتزم شده است که جز از ثقات و معتمدان چیزی روایت ننماید^{۸۶}. در این باره می توان گفت که شاید مقصود از آن فرد، غیر أبو سمینة باشد، آنچنان که شیخ صدوق نیز در «من لا یحضره الفقیه» از طریق محمد بن علی قرشی روایت می کند و خود ملتزم شده است که جز از افراد معتمد نقل ننماید، پس چگونه امکان دارد روایات فردی را آورده باشد که معروف به کذب و وضع باشد؟! البته باید توجه داشت که این محمد بن علی غیر از آن محمد بن علی همدانی است که گاهی مورد اشتباه قرار گرفته است. در هر صورت، سند شیخ به محمد بن علی ملقب به أبو سمینة صحیح می باشد.^{۸۷}

۱۹. ابن اُورمک قمی - متوفی حدود ۲۵۰ ق -

أبوجعفر محمد بن اُورمک قمی، همان فردی است که از سوی امام هادی (ع) تویع و بیانیه ای در خصوص براءت او از غلو و افراط در عقیده، به اهل قم صادر شده است. او یکی از مفسران قرن سوم هجری می باشد. ابن قولویه - م ۳۶۸ ق - با دو واسطه از او روایت می نماید.^{۸۸}

نجاشی او را تحت عنوان «أبوجعفر محمد بن اُوریمه قمی» معرفی می نماید و می فرماید: «قمیان او را به غلو نسبت دادند و فردی را مأمور ساختند که زندگی او را خاتمه دهد؛ پس توجه یافتند که او اوقات خود را از آغاز شب تا پایان به نماز سپری می سازد، لذا دست از او برداشتند و مکث نمودند. جمعی از مشایخ قم از ابن ولید نقل نمودند که او گفته است محمد بن اُورمه هرچه از نوشته های او با آثار حسین بن سعید موافقت داشته باشد مورد عمل قرار می گیرد و هرچه او متفرد شود پس مورد اعتماد نباشد و برخی گفته اند از سوی امام هادی (ع) بیانی انتشار یافت که براءت او را از نسبت های ناروا نشان می داد و کتاب های او صحیح می باشد، مگر کتابی که به او نسبت داده می شود که باطن را تفسیر می نماید، چون در آن تخلیط وجود دارد.^{۸۹}

نجاشی در رجالش تعداد ۳۶ اثر را برای ابن اُورمه بر می شمرد^{۹۰}. تفسیر ابن اُورمه تفسیری نقلی است.^{۹۱}

آیت الله خوبی ذیل عنوان «محمد بن اُورمه» سخن نجاشی را درباره او همراه با اسامی

تألیفات ۳۴ گانه اش، از جمله دو کتاب «القرآن» و کتاب «ما نزل فی أمیر المؤمنین (ع)» آورده است.^{۹۲} از راویان یا شاگردان او ابوالعباس أحمد بن محمد دینوری می باشد که تمام کتاب ها و مصنفات او را به هنگام بازگشت از زیارت امام رضا (ع) در دوران جعفر بن الحسین الناصر در آمل طبرستان به سال ۳۰۰ هجری روایت نموده است.^{۹۳}

۲۰. زکریا بن آدم قمی - متوفی قبل از ۲۲۰ ق -

ابن عبدالله بن سعد اشعری، محدث ثقه، از افرادی چون داود بن کثیر رقی و کاهلی^{۹۴} نقل حدیث کرده است. همچنین افرادی چون أحمد بن حمزه قمی، أحمد بن محمد بن ابی نصر، محمد بن خالد، اسماعیل بن مهران، حسن بن مبارک، حمزه بن یعلی، سعد بن سعد، محمد بن سهل، أبو العباس المفضل بالحسان و الدالانی از او نقل حدیث کرده اند. وی از اصحاب خاص امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و دارای قدر و منزلت والایی نزد ایشان بوده است. او از امام رضا (ع) نقل روایت کرده و در سفری به سوی مکه برای انجام مناسک حج، همراه امام (ع) بوده است. از علی بن مسیب روایت شده است که گفت: خدمت امام رضا (ع) عرض کردم: خانه ام دور است و نمی توانم هر وقت که به شما نیازمند خدمتتان شرفیاب شوم... پس از چه کسی مسائل و نیازهای دینی ام را جویا شوم؟ حضرت فرمودند: «از زکریا بن آدم قمی» جویا شو که او بر امر دین و دنیا مورد اطمینان است». ابن مسیب گوید: زمانی که از خدمت امام رضا (ع) مرخص شدم، به نزد زکریا بن آدم آمدم و از او درباره آنچه بدان نیاز داشتم سؤال کردم.

روایت شده که امام جواد (ع) در آخرین روزهای حیاتشان فرمودند: «خداوند صفوان و محمد بن سنان و زکریا بن آدم را جزای خیر دهد که آنها به عهد خود نسبت به من وفادار بودند». او کتابی دارد که آن را محمد بن خالد نقل می کند و کتابی با نام «مسائله للرضا (ع)» که محمد بن حسن بن ابی خالد آن را نقل کرده است. نام او در سند تعدادی از روایات اهل بیت (ع) که تعدادشان به ۴۱ مورد می رسد، وارد شده است.^{۹۵} زکریا بن آدم در زمان حیات امام جواد (ع) فوت نمود و در شهر قم دفن شد، به طوری که قبر او مشهور و مورد زیارت است.^{۹۶}

١. إعلام الوری بأعلام الهدی / ٣١٣؛ الكافي، ١/ ٤٨٦؛ الارشاد/ ٣٠٤.
٢. اعلام الوری/ ٣١٣؛ بحار الأنوار، ٥/ ٤٩ و ٧؛ عيون أخبار الرضا (ع)، ١/ ١٤.
٣. الكافي، ١/ ٤٨٦؛ الارشاد/ ٣٠٤.
٤. بحار الأنوار، ٤٨/ ٢٢٧؛ عيون أخبار الرضا (ع)، ١/ ١٠٠.
٥. رجال نجاشی / ٢٦/ رقم ٤٩.
٦. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیرنویسان آن مکتب «مظلومی» / ١٢٩.
٧. معجم المؤلفین «عمر رضا»، ٢/ ٢٩٧.
٨. معجم رجال الحديث «خوئی»، ٣/ ١٩٢-١٩٦/ رقم ١٤٣٧.
٩. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیرنویسان آن مکتب/ ٥٥.
١٠. طبقات مفسران شیعه، ١/ ٢٧٧.
١١. همان.
١٢. همان.
١٣. همان.
١٤. معجم المؤلفین، ١١/ ٩٧.
١٥. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/ ١٣٠.
١٦. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ١/ ١٠/ رقم ٤٧.
١٧. طبقات مفسران شیعه، ١/ ٢٧٨.
١٨. همان.
١٩. رجال نجاشی / ٤٤٦/ رقم ١٢٠٨.
٢٠. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/ ١٣٠.
٢١. معجم المؤلفین، ١٣/ ٣٤٨؛ الفهرست «طوسی» / ١٨٢-١٨١؛ الفهرست «ابن ندیم»، ١/ ٢٢٠؛ رجال نجاشی / ٣١١؛ منتهی المقال / ٣٣٦-٣٣٧؛ تنقیح المقال «مامقانی»، ٣/ ٣٣٨-٣٤٣؛ هدیة العارفين، ٢/ ٥٧٢.
٢٢. منهج المقال / ٣٧٧-٣٨٠؛ الفهرست «ابن ندیم» / ٢٣٠.
٢٣. طبقات مفسران شیعه، ٢/ ٢٨٦.
٢٤. همان / ٢٨٧.
٢٥. الفهرست «ابن ندیم» / ٥٥.
٢٦. معجم رجال الحديث، ٥/ ٨٩-١٠٥ / رقم ٣٠٧٠.
٢٧. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب / ١٣٠.
٢٨. طبقات مفسران شیعه، ٢/ ٢٨٧.
٢٩. همان.
٣٠. معجم رجال الحديث، ٥/ ٨٩-١٠٥ / رقم ٣٠٧٠.
٣١. الاعلام، ٢/ ٢١٢؛ الفهرست «طوسی» / ٤٦.
٣٢. الذریعة، ٤/ ٢٤٨/ ١١٩٥.
٣٣. أعيان الشيعة / ٢٢٦.
٣٤. الذریعة، ٢/ ١٠٥ / رقم ٤١٤.
٣٥. رجال نجاشی / ٢٥٣ / رقم ٦٦٤؛ رجال طوسی / ٣٨١ و ٤٠٣-٤١٧.
٣٦. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب / ١٣١.
٣٧. رجال نجاشی / ٣٣٥ / رقم ٨٩٨.
٣٨. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب / ١٣٠.
٣٩. جامع الرواة، ٢/ ١٠٨.
٤٠. معجم رجال الحديث، ١٦/ ٦٤ / رقم ١٠٦٨٨.
٤١. الذریعة، ٢٤/ ٣٢٢.
٤٢. رجال نجاشی / ٨١-٨٣ / رقم ١٩٨.
٤٣. معجم رجال الحديث، ٢/ ٢٩٦-٣١٧ / رقم ٨٩٨.
٤٤. همان، ٤/ ٣٤٧.
٤٥. رجال نجاشی / ٥٨ / رقم ١٣٦.
٤٦. طبقات مفسران شیعه، ٢/ ٢٩٢.
٤٧. رجال نجاشی / ٣٠٧ / رقم ٨٤٠.
٤٨. رجال طوسی / ٣٨٥.

۴۹. طبقات مفسران شیعه، ۲/۳۰۰.
۵۰. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/۱۳۰.
۵۱. طبقات مفسران شیعه، ۲/۳۰۰.
۵۲. الاعلام، ۵/۱۴۹.
۵۳. رجال نجاشی/۵۸-۶۰ / رقم ۱۳۷.
۵۴. معجم رجال الحديث، ۵/۲۴۳-۲۶۵ / رقم ۳۴۱۵.
۵۵. طبقات مفسران شیعه، ۱/۲۸۴.
۵۶. الذریعة، ۴/۲۴۵ / رقم ۱۱۸۹.
۵۷. رجال نجاشی/۳۵ / رقم ۷۲.
۵۸. معجم رجال الحديث، ۵/۴۴ / رقم ۲۹۸۳.
۵۹. الذریعة، ۴/۲۴۳.
۶۰. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/۱۳۰.
۶۱. رجال نجاشی/۲۱۷ / رقم ۵۶۴.
۶۲. طبقات مفسران شیعه، ۱/۲۶۳.
۶۳. معجم رجال الحديث، ۱۰/۲۳۲ / رقم ۶۹۲۸.
۶۴. رجال نجاشی/۲۷۲.
۶۵. طبقات مفسران شیعه، ۱/۲۸۳.
۶۶. همان.
۶۷. همان، ۱/۲۸۶.
۶۸. رجال نجاشی/۳۳۳ / رقم ۸۹۶.
۶۹. طبقات مفسران شیعه، ۱/۲۸۶.
۷۰. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/۱۳۱.
۷۱. معجم رجال الحديث، ۱۷/۱۱۳-۱۲۰ / رقم ۱۱۵۰۹.
۷۲. أعيان الشيعة، ۱/۱۲۵-۱۲۷؛ تأسيس الشيعة/۳۲۸؛ جامع الرواة، ۱/۲۶۰؛ طبقات مفسران شیعه/۶۸.
۷۳. رجال طوسی/۱۴۸ و ۳۶۸؛ معجم رجال الحديث، ۳/۱۸۹.
۷۴. از جمله آنهاست: لیث بن البختری المرادی و عبد الله بن محمد الاسدی.
۷۵. کلیات فی علم الرجال «سبحانی»/۱۶۳.
۷۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ۲/۶۳۴.
۷۷. نجاشی در شرح حال «أسباط بن سالم» گفته است: مولی بنی عدی من کنده.
۷۸. مراد نوعی لباس هندی منسوب به قوم «زط» در هند است. رک: تنقیح المقال، ۱/۱۱۰، ذیل شرح حال «أسباط بن سالم».
۷۹. رجال نجاشی/۲۵۲ / رقم ۶۶۳.
۸۰. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/۱۳۰.
۸۱. موسوعة طبقات الفقهاء، ۳/۳۸۰-۳۸۱.
۸۲. الذریعة، ۲۴/۱۱.
۸۳. رجال نجاشی/۱۶۲ / رقم ۴۲۹.
۸۴. معجم رجال الحديث، ۷/۸۶ / رقم ۴۳۵۶.
۸۵. رجال نجاشی/۳۳۲ / رقم ۸۹۴.
۸۶. کامل الزیارات باب ۱۶ / جای که نزول جبرئیل را در مورد امام حسین (ع) روایت می نماید.
۸۷. معجم رجال الحديث، ۱۶/۲۹۷-۳۰۰ / رقم ۱۱۲۵۹.
۸۸. الذریعة، ۴/۲۴۱ / رقم ۱۱۷۶.
۸۹. همان، ۷/۴۶.
۹۰. رجال نجاشی/۳۲۹-۳۳۰ / رقم ۸۹۱.
۹۱. پژوهشی درباره تفسیر شیعه و تفسیر نویسان آن مکتب/۱۳۰.
۹۲. معجم رجال الحديث، ۱۵/۱۱۵ / رقم ۱۰۲۸۷.
۹۳. همان.
۹۴. أبو محمد عبد الله بن يحيى كاهلي.
۹۵. به عنوان «زکریا بن آدم» در اسناد ۴۰ مورد و به عنوان «زکریا بن آدم قمی» در سند ۱ مورد حدیث آمده است.
۹۶. موسوعة طبقات الفقهاء، ۳/۲۵۷؛ تهذیب الاحکام، ۲/باب الأذان و الإقامة / حدیث ۱۱۰۴.